



## Research Article

# A Jurisprudential Analysis of the Nature of the Transaction in the Provision of Services Based on Information Technology

Majid Esmaili<sup>1</sup>

Seyyed Ruhollah Mousavi<sup>2</sup>

Received: 01/06/2022

Accepted: 29/10/2022

### Abstract

Providing services based on information technology is one of the ways that startups use for various information technology systems to infer and earn more income. In the past few years, earning money in this way has been greatly promoted, so that there is not a day that users of communication technologies do not encounter advertisements of this category of services. This study aims to determine the nature of these types of transactions. The question here is whether this mechanism is considered as one of the conventional transactions, or is it a novel transaction that should be followed by its jurisprudence ruling in general terms and applications. This study is authored based on library sources and analytical-descriptive method and rational data. The finding of the study suggest that after examining the concept of services in information technology and explaining how to earn money through it, the basic characteristics of this mechanism are obtained. These characteristics can be seen in only four cases of transactions (lease, peace, Je'aleh, and istifa), each of which has its own requirements. The analysis of each of these transactions and the possibility of correcting the discussed issue with them clearly shows that the provision of services on the basis of information technology can be considered as mute lease.

### Keywords

Services in information technology, transaction of services in information technology, lease, peace, Je'aleh, Istifa.

---

1. Student of Islamic Seminary in Level four, Qom, Iran (Corresponding author).  
majidesmaeili1991@yahoo.com.

2. Student of Islamic Seminary, Qom, Iran. Srmoosavi1360@chmail.com.

---

\* Esmaili, M., & Mousavi, S. R. (1401 AP). A Jurisprudential Analysis of the Nature of the Transaction in the Provision of Services Based on Information Technology. *Journal of Fiqh*, 29(111), pp. 8-33. Doi: 10.22081/jf.2022.64098.2517.

---

Copyright © 2021, Author (s). This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

### مقاله پژوهشی

## تحلیل فقهی ماهیت معامله در ارائه خدمات بر بستر فناوری اطلاعات

سید روح‌الله موسوی<sup>۲</sup>

مجید اسماعیلی<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۱

### چکیده

ارائه خدمات بر بستر فناوری اطلاعات یکی از راه‌هایی است که برای کسب استنباطات خودشان درآمدهای بیشتر توسط استارت‌آپ‌ها، بر پایه سامانه‌های گوناگون فناوری اطلاعات به کار گرفته می‌شود. در سال‌های اخیر کسب درآمد از این طریق رونق فراوانی یافته، به گونه‌ای که روزی نیست که کاربران فناوری‌های ارتباطی با تبلیغات این دسته از خدمات مواجه نشوند. هدف از این پژوهش این است که ماهیت این نوع از معاملات مشخص گردد. سؤال اینجا است که این سازوکار در ذیل یکی از معاملات متعارف قرار می‌گیرد، یا معامله‌ای بدیع است که باید در عموماً و اطلاقات، در پی حکم فقهی آن بود. این تحقیق براساس منابع کتابخانه‌ای و به روش تحلیلی-توصیفی و داده‌های عقلی نگاشته شده است. نتیجه تحقیق اینکه پس از بررسی مفهومی خدمات در فناوری اطلاعات و تبیین شیوه کسب درآمد از طریق آن، خصوصیات اساسی این سازوکار به دست می‌آید. این خصوصیات تنها در چهار مورد از معاملات به چشم می‌خورد (اجاره، صلح، جعاله و استیفاء) که هر یک اقتضانات مخصوص به خود را دارا هستند. واکاوی هریک از این معاملات و امکان تصحیح موضوع مورد بحث با آنها به خوبی نشان می‌دهد که می‌توان ارائه خدمات بر بستر فناوری اطلاعات را اجاره معاطاتی دانست.

### کلیدواژه‌ها

خدمات در فناوری اطلاعات، معامله خدمات در فناوری اطلاعات، اجاره، صلح، جعاله، استیفاء.

۱. majidesmaeili1991@yahoo.com

۱. دانش‌پژوه سطح چهار حوزه علمیه قم، ایران (نویسنده مسئول).

۲. Srmoosavi1360@chmail.com

۲. دانش‌پژوه سطح چهار حوزه علمیه قم، ایران.

\* اسماعیلی، مجید؛ موسوی، سیدروح‌الله. (۱۴۰۱). تحلیل فقهی ماهیت معامله در ارائه خدمات بر بستر فناوری اطلاعات.

Doi: 10.22081/jf.2022.64098.2517.

فصلنامه علمی - پژوهشی فقه، ۲۹(۱۱۱)، صص ۸-۳۳.

## ۱. بیان مسئله

انسان از دیرباز نیازهای مختلفی داشته که برای ادامه حیات و گذران زندگی بایستی به آنها پاسخ می‌داده است. برخی از این نیازها به گونه‌ای بوده‌اند که خود انسان به تنهایی می‌توانست آنها را رفع کند؛ درحالی‌که برای رفع برخی دیگر بایستی از کار و فعالیت دیگران بهره می‌برد. به تعبیر دیگر، انسان برای برآورده کردن بعضی از نیازهای خود همواره نیازمند دریافت خدمات از دیگران بوده است. گذشت زمان و تحول سبک زندگی بشر و همچنین پیدایش نیازهای جدید باعث شده که افراد به‌عنوان مصرف‌کننده، خدمات متعددی را در طول روز دریافت کنند. از این رو، ارائه خدمات نیز در مسیر تحول دائمی قرار گرفته و صنایع خدماتی با ارائه روش‌های جدید، خدماتی را ارائه می‌دهند که انسان هیچ‌گاه تصور آن را نداشته است. در واقع، زندگی امروزی بشر چنان با صنعت خدمات پیوند خورده که می‌توان گفت اقتصاد جهان بر پایه خدمات شکل گرفته و در اغلب کشورها به‌عنوان تکیه‌گاهی برای اقتصاد به آن نگاه می‌شود.

یکی از تحولاتی که نقطه‌عطفی در ارائه خدمات ایجاد کرد، ظهور فناوری اطلاعات در قرن اخیر است؛ چه اینکه شرکت‌های ارائه‌دهنده فناوری اطلاعات با ارائه خدمات متعدد در زمینه‌های گوناگون، به‌نوعی زندگی بشر را به تسخیر خود درآوردند. این خدمات که در حوزه‌های مختلفی نظیر حکمرانی، امور مالی و بانکی، ارتباطات، آموزش، سرگرمی و... ارائه می‌شود، امروزه به‌عنوان یکی از شیوه‌های فراگیر کسب درآمد در جامعه مطرح است. فقه اسلامی، به‌عنوان یکی از ابزارهای تحقق زندگی دینی، موظف است تا این شیوه کسب درآمد را بررسی کرده و رأی خود را درباره آن اعلام دارد. مهم‌ترین گام در این راستا تبیین ماهیت این معاملات است؛ چه اینکه اقسام گوناگون معامله اقتضائات متفاوتی نسبت به مواردی چون لزوم و جواز، اشتراط لفظ، اشتراط رضایت درباره مفاد معامله، اشتراط بلوغ در متعاملین، اشتراط علم به عوضین و... را با خود به‌دنبال دارند. این مقاله در پی آن است که ماهیت معامله در ارائه خدمات بر بستر فناوری اطلاعات را روشن سازد.

اگرچه بیش از دو دهه از پیدایش ارائه خدمات بر بستر فناوری اطلاعات می‌گذرد،

اما تحقیق جامعی پیرامون ماهیت‌شناسی این سازوکار کسب درآمد صورت نگرفته است. درعین حال، آثاری که در زمینه خدمات ارزش افزوده در فناوری اطلاعات نگاشته شده، به‌مناسبت به تبیین خدمات بر بستر فناوری اطلاعات نیز پرداخته‌اند. این آثار اگرچه ارتباطی با مباحث فقهی ندارند، اما تصویر خوبی از مسئله موردبحث ارائه می‌دهند. از سوی دیگر، معاملاتی مانند اجاره، صلح و جعاله، به تفصیل در منابع فقهی مورد واکاوی قرار گرفته‌اند، درحالی که استیفاء در کتب فقها مورد اشاره قرار نگرفته، اما در آثار حقوقی معاصر به‌خوبی تبیین شده است. بنابراین می‌توان این نوشته را تنها دارای پیشینه عام و فاقد هرگونه پیشینه خاص درخصوص موضوع آن دانست.

## ۲. بررسی مفهومی خدمات بر بستر فناوری اطلاعات

از آنجاکه یکی از مهم‌ترین قدم‌ها در بررسی موضوعات نوپدید، رسیدن به درک صحیحی از ماهیت آنها است، لازم است ابتدا به تبیین مفهوم «خدمات» و «فناوری اطلاعات» پردازیم.

### ۱-۲. بررسی مفهوم خدمات

«خدمات» جمع خدمت و در لغت عبارت است از «انجام عمل از سر دلسوزی و بندگی برای کسی» (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۹۵۹۲) و «ملازم انجام کار کسی شدن» (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۹۵۹۳). باید دانست که گستردگی نیازهای بشر و پیچیدگی روش‌های پاسخ به آن، موجب نیازمندی او به همکاری دیگران در جهت رفع نیازهایش می‌شود. محصولی که افراد برای تأمین نیازهای جامعه ارائه می‌دهند، دو نوع است: کالا و خدمات. به عبارت دیگر، آنچه در حوزه اقتصاد به‌عنوان محصول به متقاضیان ارائه می‌شود، یا از سنخ اشیاء بوده که به آن کالا گفته می‌شود، یا از سنخ عمل بوده که به آن خدمات گفته می‌شود. بنابراین، اولاً خدمات عبارت است از عمل یا فعالیتی که یک طرف برای طرف مقابل انجام می‌دهد (جعفرنژاد، ۱۳۹۱، ص ۸). ثانیاً خدمات از جمله فعالیت‌های اقتصادی است که بر اثر ایجاد تغییر در دریافت‌کننده خدمت یا تغییرپذیری

از او، در زمان‌ها و مکان‌های خاص، مزایایی را برای وی به‌دنبال دارد (جعفرنژاد، ۱۳۹۱، ص ۸). ثالثاً گرچه ممکن است فرآیند خدمت‌رسانی با یک کالای خارجی و فیزیکی مرتبط باشد، اما انجام خدمت لزوماً نامحسوس است (جعفرنژاد، ۱۳۹۱، ص ۸). رابعاً محصول خدمت چیزی است غیرمادی و غیرقابل لمس که قابل ذخیره و جابه‌جایی نیست؛ معمولاً در لحظه به وجود آمده و بعد از مصرف از میان می‌رود (کورنگ و اسفندی، ۱۳۹۴، ص ۱۱). با توجه به این نکات می‌توان خدمت را در بیانی مختصر، به بهره‌گیری از قابلیت‌ها از طریق فعالیت‌ها، فرآیندها و عملکردها برای سودرسانی به خود یا دیگری تعریف نمود (احمدی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۱۷).

## ۲-۲. بررسی مفهوم فناوری اطلاعات

واژه «فناوری» مرکب از «فن» و «آوردن» است که اهل لغت، اولی را به حال، گونه، صنعت، صنعت، علم و هنر (معین، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۱۱۹۴)، و دومی را به رساندن چیزی از جایی به جای دیگر، پدید آوردن، در میان نهادن و تولید، معنا کرده‌اند (عمید، ۱۳۸۹، ص ۵۴). همچنین، خصوص «آور» را به معنای بسیار، پر، مالک و دارا معنا کرده‌اند (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۳۴). بنابراین واژه فناوری می‌تواند بیان‌گر فراوانی علم و صنعت یا علم به صنایع و حرفه‌ها باشد. واژه «اطلاعات» نیز به معنای دانستنی‌ها و اخبار است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۸۷۴). بنابراین فناوری اطلاعات از نظر لغوی عبارت است از تجهیزات و روش‌های علمی که در حوزه انتقال معلومات و ارتباطات به کار گرفته می‌شود. برای شناخت بهتر فناوری اطلاعات باید بدانیم که شاخصه اصلی بین تمام کاربردهای مختلف آن، جریان و پردازش اطلاعات است. پس از اختراع رایانه و رشد و توسعه شبکه‌های رایانه‌ای، از پیوند قدرت محاسباتی رایانه و امکان ارسال اطلاعات، فناوری اطلاعات متولد شد.

## ۳. ماهیت و عملکرد خدمات بر بستر فناوری اطلاعات

با توجه به اینکه در عصر حاضر اقتصاد جهانی بر پایه ارائه خدمات مناسب اداره می‌شود و خدمات تکیه‌گاه مهمی در اقتصاد کشورها است، پس بنگاه‌های اقتصادی تلاش

می‌کنند از هر پدیده نوظهوری در این زمینه استفاده کرده و بتوانند تجارت خود را رونق بخشند. از همین رو، استارت‌آپ‌های فعال در حوزه فناوری اطلاعات، برای کسب درآمدهای بیشتر، خدمات فراوانی را بر این بستر طراحی کرده و به کاربران ارائه می‌دهند. باید توجه داشت که اضلاع اصلی کسب درآمد از ارائه خدمات بر بستر فناوری اطلاعات، اپراتورهای آی‌سی‌تی و استارت‌آپ‌های ارائه‌دهنده هستند؛ به این صورت که اپراتور آی‌سی‌تی، در مقابل دریافت هزینه، سامانه‌ای برخط را به‌عنوان «پایگاه اینترنتی» یا سامانه مخابراتی «تماس صوتی» یا «دریافت و ارسال پیامک» که متصل به یک یا چند شماره تلفن مخصوص است، بنابر درخواست استارت‌آپ در اختیار او می‌گذارد. استارت‌آپ نیز با طراحی خدمات مدنظر خود و قرارداد آن بر روی سامانه، از کاربران می‌خواهد تا با مراجعه به پایگاه یا اتصال به شماره‌های مذکور، به سامانه متصل شده و از آن استفاده کنند. زمانی که کاربر به سامانه متصل شود، براساس معیار تعریف شده در سامانه، هزینه‌هایی در مقابل استفاده او از خدمات ارائه‌شده به صورت پرداخت اینترنتی یا به‌وسیله اعمال بر روی قبض تلفن ثابت یا همراه، یا در صورت استفاده از خطوط اعتباری با کسر از اعتبار وی، از او دریافت می‌کنند. برای آشنایی بیشتر با چگونگی کسب درآمد از این طریق باید به نکات زیر توجه کرد:

اولاً سامانه‌های مذکور با توجه به نحوه عملکرد خود بر سه گونه‌اند:

- برخی از آنها خدمات را بر بستر پایگاه متصل به شبکه اینترنت، اعم از سایت‌ها یا اپلیکیشن‌های تلفن همراه ارائه می‌کنند؛ به‌نحوی که کاربر با ورود به سایت یا اپلیکیشن، از خدمات استفاده می‌نماید.

- برخی دیگر از آنها خدماتی را بر پایه تماس صوتی ارائه می‌دهند که کاربر با استفاده از تلفن ثابت و همراه می‌تواند از آن استفاده کند؛ به‌این‌صورت که وقتی کاربر شماره مخصوص را گرفته و به سامانه متصل می‌شود، با تلفنی گویا مواجه خواهد شد که خدمات موردنظر را به‌صورت صوتی ارائه می‌نماید.

- دسته سوم از سامانه‌ها خدمات خود را بر پایه پیام کوتاه ارائه می‌دهند که مخصوص کاربرانی است که تلفن همراه دارند. به‌این‌صورت که کاربر با ارسال پیامک

به شماره مخصوص و درخواست خدمات، به سامانه متصل شده و خدمات موردنظر خود را در قالب پیامک دریافت می کند.

ثانیاً شیوه‌های دریافت هزینه از کاربران در مقابل خدمات ارائه شده نیز سه گونه است:

- کاربر با ورود به درگاه بانکی اینترنتی، با بهره گیری از اطلاعات کارت اعتباری خود مبلغی را از حساب خود به حساب متصل به سامانه منتقل می کند. در واقع آنچه رخ می دهد نوعی انتقال وجه بانکی است.

- از کاربر خواسته می شود تا در سامانه عضو شود. با عضویت او در سامانه مبلغ مشخصی به عنوان حق عضویت به صورت ماهیانه بر قبض تلفن ثابت یا همراه وی اعمال می شود و درباره خطوط اعتباری نیز از اعتبار کاربر کاسته می گردد. کاربر برای مدتی که حق عضویت آن را پرداخته است می تواند از میزان مشخصی از خدمات استفاده کند.

- کاربر به نسبت میزان استفاده خود از سامانه هزینه پرداخت می کند؛ یعنی اگر کاربر از سامانه‌های تماس صوتی استفاده می کند، در پایان تماس مجموع زمانی که کاربر به سامانه متصل بوده حساب شده و با تعرفه‌ای خاص بر روی قبض یا اعتبار وی اعمال می شود. همچنین اگر کاربر از سامانه‌های پیامکی استفاده می کند، در پایان به تعداد پیامک‌هایی که ارسال شده، مبلغی با تعرفه خاص بر روی قبض یا اعتبارش اعمال می گردد.

#### ۴. بررسی ماهیت معامله

ابتدایی ترین گام در بررسی فقهی کسب درآمد از خدمات بر بستر فناوری اطلاعات، پاسخ به این سؤال است که کسب درآمد از آن تحت کدام یک از معاملات متعارف قرار می گیرد. لازم به ذکر است در صورتی که نتوانیم این سازوکار را در ضمن یکی از معاملات متعارف وارد کنیم، ناچاریم به عنوان معامله‌ای جدید به آن نگاه کرده و شمول ادله امضا را درباره آن مورد بررسی قرار دهیم. در این راستا، ابتدا باید خصوصیات این سازوکار را مشخص نموده، آن گاه معاملاتی را بررسی نماییم که می توان برای تصحیح

این سازوکار از آن بهره گرفت. این خصوصیات عبارتند از:

۱. معامله‌ای حاکی از تعهد بین دو طرف است؛ لذا از جمله عقود محسوب می‌شود.
  ۲. دارای دو عوض است که با هم مبادله می‌شوند؛ لذا در زمره عقود معوض قرار می‌گیرد.
  ۳. اثر آن انتقال مالکیت بر منفعت از یک سو و عوض آن از سوی دیگر است؛ لذا عقد تملیکی است.
  ۴. هریک از طرفین در مقابل دیگری تعهد داشته و در اندیشه سود خود است؛ لذا از معاوضات است.
  ۵. اجزای مورد عقد به تدریج و به‌طور مستمر در طول زمان ایجاد می‌شود؛ لذا از عقود مستمر است، نه آنی.
  ۶. یکی از عوضین که از سوی استارت‌آپ‌ها ارائه می‌شود، از سنخ منفعت است.
  ۷. عوض دیگر که از سوی کاربران پرداخت می‌شود، از سنخ نقود یا در حکم آن است.
  ۸. مقدار هریک از دو عوض اجمالاً معلوم بوده و وابسته به امر نامعلومی نیست که در آینده معلوم گردد.
- با در نظر گرفتن این ویژگی‌ها درمی‌یابیم که احتمال توصیف این سازوکار به یکی از معاملات متعارف اجاره، صلح، جعاله و استیفاء وجود دارد. بنابراین، در ادامه، این احتمالات را نقد و بررسی خواهیم نمود؛ به این ترتیب که در پی پاسخ به این سؤال خواهیم بود که معاملات بر بستر فناوری اطلاعات جزو کدامیک از موارد ذیل خواهد بود.

#### ۴-۱. اجاره، ماهیت و شرایط آن

اگرچه فقها درباره تعریف و ماهیت اجاره اختلافاتی دارند، اما چنان‌که مشهور گفته‌اند، اجاره عبارت است از عقدی معاوضی برای تملیک منفعت در مقابل عوض (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۱۴۰) منظور از تملیک، عمل یک طرف نیست، بلکه مراد همان



تملیک عقدی است که در طول ایجاب و قبول ایجاد شده و موضوع ترتب آثار عقد، مانند: صحت، لزوم و... قرار می‌گیرد. عقد اجاره دارای سه رکن اساسی است: عقد، متعاقدان و معقودعلیه.

عقد اجاره تعهدی بین دو طرف است که نسبت به آن قصد جدی برای اجاره وجود داشته باشد؛ این تعهد بایستی با الفاظ یا عباراتی که از نگاه عرف بر وقوع اجاره از سوی طرفین دلالت کند انشا شود. مشهور فقها در عقد اجاره ایجاب را از سوی موجد و قبول را از سوی مستأجر لازم می‌دانند (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۱۷۲). باید دانست همان‌گونه که انشاء عقد اجاره به واسطه الفاظ حاصل می‌شود، در ضمن فعل و عمل نیز قابل تحقق است. پس فقها معاطات در اجاره را پذیرفته‌اند. از طرفی این تعهد منجز بوده و بر تحقق چیزی که حصول آن در آینده مشکوک باشد معلق نمی‌شود؛ زیرا تعلیق موجب بطلان عقد است (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۳۵۷). این تعهد به امور منافی با مقتضای اجاره، یعنی جواز انتفاع یا ملکیت، مشروط نمی‌شود. از جمله این شروط، شرط عدم اجرت و شرط نقصان اجرت (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۳۵۷) و شرط ضمان (کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۲۵۸) است.

متعاقدان یا همان موجد و مستأجر باید دارای اراده فعلی درباره مضمون معاوضه برای انعقاد عقد باشند؛ قصد آنها نیز از روی اختیار باشد، نه اجبار و اکراه. همچنین مجاز به تصرف در مورد معامله باشند؛ خواه خود مالک یا ولی او یا مأذون از سوی او باشد.

رکن دیگر، معقودعلیه یا مورد اجاره است. باید دانست که مبادله در اجاره، بین اجرت و منفعت است. اجرت عبارت است از چیزی که مستأجر در عوض منافع که مالک آن می‌شود، به موجد می‌پردازد. هر چیزی که در بیع و سایر معاملات صلاحیت ثمن واقع شدن داشته باشد، در اجاره می‌تواند به عنوان اجرت قرار گیرد. منفعت هم علاوه بر آنکه شامل منافع اعیان می‌شود، شامل منافع اعمال نیز می‌شود. در منفعت اعیان، گاهی منفعت مربوط به عین خارجی است و گاهی مربوط به عین کلی در ذمه. عین خارجی نیز گاهی در خارج معین بوده و گاهی غیرمعین و به صورت کلی در معین، و

گاهی نیز به صورت مشاع است. منفعت عین مورد اجاره شروطی دارد که برخی از این شروط عام بوده و برخی دیگر مختص به عقد اجاره است. این شروط عبارتند از: وجود، مالیت، مالکیت، عدم استهلاك عین با انتفاع از آن، امکان استیفای منفعت، مباح بودن منفعت، قدرت بر تسلیم، و معلوم بودن منفعت. در منفعت اعمال، آنچه مورد اجاره واقع می شود عمل افراد است؛ بنابراین مطلوب در آن عملی است که مستأجر از آن بهره می برد. اجاره اعمال نیز دارای شروطی است که عبارتند از: قدرت بر انجام عمل، وجود موضوع عمل، مالیت عمل، ملکیت عمل، مباح بودن عمل، معلوم بودن عمل، و قدرت بر انجام عمل از نظر شرع.

#### ۴-۱-۱. بررسی توصیف معامله به اجاره

پس از بازشناسی ماهیت و ارکان اجاره می توان قرار گرفتن ارائه خدمات بر بستر فناوری اطلاعات در قالب اجاره را مورد بررسی قرار داد: در ارائه خدمات بر بستر فناوری اطلاعات و سامانه های ارتباطی، هم استارتاپ ها و هم کاربران در قبال یکدیگر متعهد و ملتزم به اموری می شوند، به گونه ای که استارتاپ به ارائه خدمات مورد نظر، و کاربر نیز به پرداخت هزینه در قبال دریافت آن خدمات ملتزم و متعهد هستند. صرف وجود این تعهد دوطرفه، حاکی از وقوع عقدی در بین ایشان است. از سوی دیگر، اینکه استارتاپ اقدام به ایجاد سامانه خدماتی کرده و آن را در معرض استفاده کاربران قرار داده و اینکه کاربر نیز اقدام به اتصال به سامانه و بهره گیری از آن نموده، نشان دهنده قصد جدی هر دو طرف برای انجام معامله است. بنابراین می توان گفت شرط اول عقد نیز حاصل است (ر.ک: شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۱۷۲). انشا نیز به عنوان شرط دوم عقد حاصل است (ر.ک: شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۱۷۲)؛ چه اینکه در مورد بهره گیری از خدمات بر بستر فناوری اطلاعات، چنان که گفته شد، سه روش کلی موجود است: یکی استفاده از پایگاه های متصل به اینترنت، اعم از سایت ها و اپلیکیشن های تلفن همراه، دیگری استفاده از سامانه تلفن گویا، و در آخر استفاده از سامانه ارسال پیامک. وجه جامع هر سه روش این است که در اتصال به سامانه ها و تأیید بهره مندی از آن غالباً پای

فعل در میان است؛ به طوری که با اتصال کاربر به سامانه، از او خواسته می‌شود برای استفاده از خدمات کلیدی را فشار دهد. به نظر می‌رسد همین مقدار در تحقق انشای فعلی کفایت می‌کند. همچنین از آنجا که در غالب موارد، با اتصال کاربر به سامانه و تأیید معامله از طرف او، معامله به صورت حال محقق می‌شود و تعلیقی در بین نیست، شرط تنجیز نیز حاصل است (ر.ک: شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۳۵۷). در پایان، با بررسی موارد کسب از خدمات بر بستر فناوری اطلاعات، مشخص می‌شود که هیچ‌یک از امور منافی با مقتضای اجاره، در حین معامله شرط نمی‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که رکن اول اجاره، یعنی عقد و شرایط آن، در کسب درآمد از خدمات در فناوری اطلاعات محقق بوده و صدق اجاره بر این معامله از این حیث، با مشکل مواجه نیست.

از سوی دیگر، رکن دوم اجاره نیز بر موضوع مورد بحث ما تطبیق دارد؛ زیرا در کسب درآمد از خدمات بر بستر فناوری اطلاعات، استارت‌آپ موجر و کاربری که با اتصال به سامانه از خدمات استفاده می‌کند، مستأجر محسوب می‌شود. از آنجا که استارت‌آپ سامانه را در معرض استفاده کاربران قرار داده و کاربر نیز اقدام به اتصال به آن کرده، معلوم می‌شود که هر دو طرف اراده بر انعقاد عقد فعلی دارند. اما شرایط دیگر متعاقدان، یعنی اختیار و جواز تصرف در مورد اجاره، حتی در فرض عدم تحقق، مانع از صدق اجاره بر موضوع مورد بحث نیست؛ هر چند برای حکم به صحت اجاره، بایستی این شرایط به حسب هر مورد به طور جداگانه بررسی شود؛ چنان که یکی از مشکلات شایع در این شیوه از کسب درآمد این است که بسیاری از کاربرانی که اقدام به اتصال به سامانه‌ها می‌کنند، کودکانی هستند که مجاز به تصرف در اموال خویش نیستند، چه رسد به تصرف در اموال والدین.

در بررسی رکن سوم نیز باید گفت: مواردی که به عنوان خدمات در فناوری اطلاعات ارائه می‌شود، همیشه در قالب منفعت است. در این مورد که این منافع مربوط به عین است یا عمل، باید به عملکرد سامانه‌های مورد نظر توجه کرد: استارت‌آپ‌ها با عقد قرارداد با شرکت‌های مخابراتی، تجهیزات آنها را در اختیار خود گرفته و محتوای خود را به صورت برنامه‌هایی بر روی سامانه‌ها قرار می‌دهند. وقتی کاربر به سامانه متصل

می‌شود، به صورت خود کار و بدون دخالت افراد دیگر، برنامه اجرا شده و محتوا را در اختیار او قرار می‌دهد. بنابراین منافع دریافتی، مزوجی از منفعت اعیان و اعمال به حساب می‌آید. البته اگر نفس برنامه‌ها از اعیان محسوب شود، منفعتی که در اختیار کاربران قرار می‌گیرد، تماماً منفعت عین است؛ خصوصاً که حتی در خرید و فروش هم عینی که در اختیار خریدار قرار می‌گیرد، محصول عمل سازندگان آن است؛ درحالی که مورد معامله عمل به حساب نمی‌آید. از سوی دیگر، اجرت در این معامله عبارت است از هزینه‌ای که از اعتبار کارت بانکی کاسته شده یا مبلغی که به طور ماهانه بر قبوض خطوط ثابت و همراه اعمال می‌شود. بنابر آنچه گفته شد، می‌توان معامله‌ای را که در آن به ارائه خدمات بر بستر فناوری اطلاعات پرداخته می‌شود، در قالب اجاره تصویر نموده و آن را مصداقی نوپدید برای عقد اجاره دانست.

#### ۴-۲. صلح، ماهیت و شرایط آن

بارزترین ویژگی صلح، قابلیت جریان آن در مجرای سایر معاملات است. به گونه‌ای که اگر اثبات شود عقد صلح، هم در مجرای معاملات معهود در شرع و هم در مجرای معاملات جدید و غیر معهود جاری می‌شود، علاوه بر اینکه راه گریزی از التزامات یا اختیارات معاملات معهود به دست ما می‌آید، شبهه مشروعیت معاملات جدید نیز تا حد زیادی برطرف خواهد شد. بنابراین در مقام بررسی ماهیت معامله در کسب درآمد از خدمات بر بستر فناوری اطلاعات، مطالعه عقد صلح و بررسی تطبیق آن بر موضوع می‌تواند تا حد زیادی راه گشا باشد.

عقد صلح یکی از عقود معین محسوب می‌شود که می‌تواند آثار سایر عقود معین را محقق سازد، بدون آنکه احکام اختصاصی آن عقود درباره آن جاری شود. در عین حال، بیشتر فقها معتقدند که صلح عقدی مستقل بوده و احکام خاص خود را دارا است (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۲۸۹). صلح گاهی به مال، اعم از عین یا منفعت، تعلق می‌گیرد و اثر آن تملیک است، گاه به انتفاع از عین تعلق می‌گیرد و اثر عاریه را می‌بخشد، و گاه به حقوق تعلق می‌گیرد و اسقاط یا انتقال آن را نتیجه می‌دهد. چنانچه حقیقت صلح همه

این موارد باشد، بایستی صلح را مشترک لفظی بدانیم که بطلان آن واضح است. از سوی دیگر، اخذ هر کدام از این خصوصیات در ماهیت صلح، منجر به عدم صدق آن بر سایر مصادیق می‌شود. بنابراین بایستی حقیقت صلح را عنوانی کلی بدانیم که در تمامی این موارد وجود دارد و آن چیزی جز تسالم نیست. عقد صلح نیز همچون عقد اجاره دارای سه رکن است: عقد، متعاقدان و معقود علیه.

برای تحقق عقد صلح باید ایجاب و قبول انشا شود؛ خواه ایجاب و قبول به صورت لفظی انشا شود که هر لفظی که در عرف بر وقوع صلح دلالت کند، برای تحقق آن کافی است، خواه به وسیله فعل و عمل انشا شود که همان معاطات است. بنابراین اشکالی در تحقق صلح معاطاتی وجود ندارد (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۲۴۱).

از سوی دیگر، به طرف ایجاب کننده در عقد صلح، مصالح و به طرف قبول کننده متصالح گفته می‌شود. طرفین صلح همانند متعاقدان در سایر عقود، بایستی از روی اختیار و اراده اقدام به انعقاد عقد کرده و نسبت به مورد صلح اهلیت تصرف داشته باشند (موسوی خمینی، بی تا، ج ۱، ص ۵۶۳).

عوضین در عقد صلح نیز عبارتند از: مصالح علیه و مصالح عنه. شرایط عامه‌ای که در عوضین سایر عقود اخذ شده، مانند مالیت داشتن، ملک بودن، مباح بودن و... در مصالح علیه و مصالح عنه نیز شرط است. البته باید دانست که عدم علم تفصیلی به مورد صلح یا تردید در آن، ضرری به صحت عقد نمی‌زند؛ بلکه فقها تصریح کرده‌اند که آگاهی اجمالی برای انعقاد صلح کافی است (حلی اسدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۰۴).

#### ۴-۲-۱. بررسی توصیف معامله به صلح

بنابر آنچه گفته شد، در صورتی که عقد اجاره بر کسب درآمد از خدمات بر بستر فناوری اطلاعات صدق کند، صلح نیز می‌تواند بر آن تطبیق داده شود؛ بلکه می‌توان ادعا کرد که حتی در صورتی که اجاره به جهت عدم تطبیق برخی شروط یا ارکان خود در این مقام جاری نشود، ملاحظه و نسبت سنجی میان ارکان عقد صلح نسبت به خصوصیات آنچه در بحث حاضر اتفاق می‌افتد، نشان می‌دهد که صلح می‌تواند معامله

موردنظر ما را به عنوان عقدی جدید شامل شده و به آن مشروعیت بخشد. البته لازم به ذکر است که تطبیق صلح بر این مقام در صورتی است که بتوان صلح ابتدایی را پذیرفته و تحقق عقد صلح را محدود به موارد وجود یا احتمال نزاع نکرد. در غیر این صورت، واضح است که در بیشتر موارد کسب درآمد از خدمات بر بستر فناوری اطلاعات، صلح صادق نخواهد بود. به هر صورت، به نظر می‌رسد که طبق نظر مشهور فقها درباره ماهیت و ارکان عقد صلح، می‌توان آن را محملی برای تصحیح ارائه خدمات بر بستر یادشده به شمار آورد.

#### ۳-۴. جعاله، ماهیت و شرایط آن

به عقیده برخی از فقها، جعاله عبارت است از تحصیل منفعت در مقابل عوض، بدون اشتراط علم به عمل و عوض (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ص ۱۶۵). از نظر گروهی دیگر، قراردادن عوضی معلوم برای استیفاء عملی که مورد قصد باشد جعاله است (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۱، ص ۱۴۹؛ حسینی سیستانی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۱۶۵). گروهی دیگر، اذن در عمل را در جعاله دخیل دانسته و آن را به صیغه‌ای که دلالت بر اذن انجام عمل در مقابل دریافت عوض کند تعریف نموده‌اند (حلی اسدی، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۴۴۱). در هر صورت، می‌توان جعاله را انشاء التزام به عوض در برابر عمل حلال مقصود دانست (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۵، ص ۱۸۷). نکته مهم پیرامون ماهیت جعاله، اختلاف فقها بر سر ماهیت آن است. عده‌ای از فقها جعاله را ایقاع دانسته (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۵، ص ۱۸۹) و برخی دیگر (حلی اسدی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۰۷؛ کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۱۸۹) آن را عقد به شمار آورده‌اند. جعاله دارای سه رکن اساسی است: صیغه، متعاملین، عوضین.

برخی از فقها صیغه را در وقوع جعاله معتبر دانسته و از ارکان آن بر شمرده‌اند (حلی اسدی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۱۵). چنانچه صیغه خاصی اجرا نشود، بنابه قول برخی از فقها، جعاله در غیر از طلاق، لعان،ظهار، ایلاء، عتق، نذر و یمین به صورت معاطاتی محقق شده (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۵، ص ۱۸۹) و بنابه قول برخی دیگر، معاطات در جعاله پذیرفته نیست (مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۳۷۰). برای تحقق صیغه در جعاله،

در صورتی که آن را ایقاع بدانیم، ایجاب کافی است (حلی اسدی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۱۵). همچنین در صورتی که حکم به عقد بودن جعاله شود، تحقق ایجاب همراه با عمل به عنوان قبول فعلی کافی بوده و نیازی به قبول لفظی نیست (طوسی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۷۲؛ فخرالمحققین، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۱۶۲).

متعاملین در جعاله عبارتند از جاعل و عامل. کسی که به پرداخت عوض در برابر عمل ملتزم شده و ایجاب جعاله را انجام می‌دهد، جاعل است. جاعل باید شرایط عمومی انجام معاملات مانند عقل، بلوغ و جواز تصرف در اموال را داشته باشد (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۴۴۲)؛ همچنین کسی است که انجام عمل تقاضا شده از سوی جاعل را به عهده می‌گیرد. تنها شرطی که در مورد عامل وجود دارد، قدرت بر انجام عمل است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۵، ص ۱۹۶).

جُعل و عمل در جعاله، عوضین آن به شمار می‌روند. هر عملی که شرایط اجاره را داشته باشد، جعاله بر آن صحیح است. در جعاله، معلوم بودن عمل شرط نیست (حلی اسدی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۱۵).

#### ۳-۱-۴. بررسی توصیف معامله به جعاله

به نظر می‌رسد نتوان ارائه خدمات بر بستر فناوری اطلاعات را به وسیله جعاله تصحیح نمود و مصداقی از آن دانست؛ چه اینکه اولاً تعهدی که در این قسم از معاملات رخ می‌دهد طرفینی است، در حالی که بنابر نظر صحیح‌تر، در جعاله تعهد یک‌طرفه است. ثانیاً ماهیت خدمات بر بستر فناوری اطلاعات تملیک است، در حالی که ماهیت جعاله التزام به پرداخت عوض یا تسبیب به انجام عمل است. ثالثاً در جعاله چه آن را عقد بدانیم یا ایقاع، موجب و کسی که اقدام به شروع معامله می‌کند، جاعل یا همان دریافت‌کننده منفعت است، در حالی که در خدمات بر بستر فناوری اطلاعات، موجب و شروع‌کننده، استارت‌آپ‌های ارائه‌دهنده هستند. رابعاً در جعاله، عمل می‌تواند مجهول باشد، در حالی که در موضوع مورد بحث، مجهول بودن منافع از سوی متعاملین پذیرفته نیست.

#### ۴-۴. استیفاء، ماهیت و شرایط آن

هر چند که عنوان استیفاء در منابع فقهی مورد بحث قرار نگرفته، اما در علم حقوق، به مناسبت‌های آن پرداخته شده است. در منابع حقوقی، استیفاء به نوعی بهره‌مندی از کار، مال یا حق شخص دیگر همراه با رضایت او گفته می‌شود؛ به گونه‌ای که استفاده‌کننده متعهد می‌شود اجرت منفعت دریافت‌شده را پرداخت نماید. لازم به ذکر است که بهره‌مندی از منافع در استیفاء، خارج از قالب قراردادهای مالی مصطلح، مانند اجاره، صلح، جعاله و... رخ می‌دهد و از این رو، در مواد ۳۳۶ و ۳۳۷ و ۳۰۷ قانون مدنی، در کنار غصب، اتلاف و تسیب، از جمله اسباب قهری ضمان شمرده می‌شود. البته به عقیده برخی از حقوق‌دانان، اگرچه استیفاء در قالب قراردادهای یادشده انجام نمی‌گیرد، اما از جمله اسباب قهری ضمان هم نیست؛ چه اینکه استیفاء مسبوق به توافق قبلی میان دو طرف است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۰، ص ۴۳). در هر حال، کاربرد استیفاء در مواردی است که بهره‌مندی از منفعت به‌هیچ‌رو در عقود و ایقاعات متداول ننگنجد. به تعبیر دیگر، عنوان استیفاء برای تکمیل دیگر اسباب تملک و تعهد مثل اجاره و جعاله است. استیفاء مواردی را در بر می‌گیرد که برای انتقال منافع در بین طرفین تراضی صورت نمی‌گیرد و یا در صورت حصول تراضی، بیان طرفین در خصوص عوض و غیره ناقص است (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۱۳۹).

استیفاء برای تحقق نیازمند شرایطی است؛ از جمله آنکه اولاً استفاده‌کننده از منفعت باید خواهان آن بوده و به آن امر کند؛ به گونه‌ای که امر او سبب دریافت منفعت شده و اگر امر نمی‌کرد، منفعتی نیز دریافت نمی‌نمود. ثانیاً منفعت مورد نظر از دیدگاه عرف دارای اجرت باشد. ثالثاً عامل عادتاً مهبای انجام عمل باشد. رابعاً عامل قصد تبرع نداشته باشد. خامساً در مواردی که از منفعت عین استفاده می‌شود، مالک راضی به استیفاء باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۱۳۹).

#### ۴-۴-۱. بررسی توصیف معامله به استیفاء

در نگاه ابتدایی، به نظر می‌رسد که استیفاء قابلیت انطباق بر کسب درآمد از ارائه



خدمات بر بستر فناوری اطلاعات را دارا است، بلکه چه‌بسا بر مواردی مانند اجاره ترجیح دارد. چه اینکه توصیف موضوع مورد بحث به اجاره، به‌خاطر سختی احراز برخی شرایط، ایجاد مشقت نموده و از همین رو، منجر به پذیرش اجاره معاطاتی شود؛ در حالی که استیفاء، به این جهت که در قالب قراردادهای متداول نیست، از انعطاف بیشتری برخوردار است. اما بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد که استفاده از استیفاء برای تصحیح مانحن‌فیه منتفی است؛ زیرا اولاً استیفاء در مواردی مطرح می‌شود که نتوان دادوستد مورد نظر را در قالب قراردادهای متداول جای داد، در حالی که قبلاً اثبات کردیم که ارائه خدمات بر بستر فناوری اطلاعات، به‌وسیله اجاره و صلح قابل تصحیح است. ثانیاً در استیفاء نیز مانند جعاله، موجب و شروع‌کننده، کسی است که منفعت را مطالبه می‌کند؛ در حالی که در مانحن‌فیه موجب ارائه‌دهنده خدمات است.

#### ۴-۵. تعیین ماهیت معامله از میان اجاره و صلح

پس از اثبات قابلیت تصحیح ارائه خدمات بر بستر فناوری اطلاعات به‌وسیله اجاره و صلح، باید به این سؤال پاسخ دهیم که کدام‌یک از این دو عقد در بحث ما عملی‌تر است. پاسخ صحیح در گرو این نکته است که چگونه عقد صلح را زمانی که در مجرای عقد دیگری جاری شده، از خود آن عقد تشخیص دهیم. به تعبیر دیگر، در مواردی که هم احتمال وقوع عقد صلح وجود دارد و هم احتمال وقوع نفس عقدی که صلح در فرض وقوع در مجرای آن جاری شده است، بر چه اساسی می‌توان قرارداد را به صلح یا غیر آن توصیف کرد؟ در پاسخ گفته می‌شود: برای توصیف یک قرارداد به صلح و تشخیص انطباق یا عدم انطباق آن با عقد صلح، دو ابزار در اختیار ما است: استفاده از دلالت لفظی و استفاده از دلالت سیاقی (غروی نائینی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۱۸). مراد از دلالت لفظی، اعتماد به اصالة الظهور و استفاده از عنوانی است که طرفین برای توافق خود برگزیده‌اند و مراد از دلالت سیاقی، توجه به مفاد و محتوا، شرایط و اوضاع و نیز هدفی است که طرفین از انشای عقد به دنبال رسیدن به آن بوده‌اند. توضیح این مطلب آن است که اگر طرفین تصریح کنند که مقصودشان از معامله صلح بوده است، بنابر دلالت لفظی

به همان اخذ شده و معامله به صلح توصیف می‌شود. اما اگر از عنوان صلح استفاده نکرده باشند، دو صورت مفروض است: یا معامله‌ای که انجام شده و در پی تعیین ماهیت آن هستیم، مسبوق به وجود یا احتمال نزاع قبلی است، و یا نزاعی در بین نیست. در صورت اول، چنانچه طرفین نه از عنوان صلح استفاده کرده باشند و نه از عنوان عقود دیگر، دلالت سیاقی که حاکی از صلح است اخذ شده و معامله به صلح توصیف می‌شود. اما اگر از عنوان عقود دیگری مثل بیع یا اجاره استفاده کرده باشند، از آنجا که ماهیت نقش اساسی در عقود دارد، نه عنوان منتخب و مورد اشاره طرفین، باز هم دلالت سیاقی بر وقوع تسالم مقدم شده و معامله به صلح توصیف می‌شود. اما در صورت دوم که نزاعی در بین نیست، چنانچه بنای طرفین بر مسامحه و گذشت باشد، دلالت سیاقی وقوع صلح را اثبات می‌کند. اما اگر بنای طرفین بر مغاینه و کسب سود باشد، وقوع همان عقدی که صلح در مجرای آن جاری شده اثبات می‌شود، مگر آنکه قرائنی بر قصد صلح و تسالم وجود داشته باشد (منصوری و همکاران، ۱۳۹۷).

با توجه به آنچه گفته شد، در سازوکار کسب درآمد از ارائه خدمات بر بستر فناوری اطلاعات، اساساً خبری از انشای لفظی نیست تا عنوانی از اجاره و صلح در آن اخذ شده باشد. حتی در صورتی که انشای لفظی انجام شود، به عنوان معامله اشاره نمی‌شود. از سوی دیگر، این سازوکار برای کسب درآمد و سود از سوی استارت‌آپ‌ها ارائه شده و بنابر مغاینه گذاشته شده است. همچنین مسبوق به وجود یا احتمال نزاع نیست. بنابراین کسب درآمد از ارائه خدمات در فناوری اطلاعات، بر اجاره یا اجاره معاطاتی منطبق می‌شود.

##### ۵. ثمره تبیین ماهیت معامله در کسب درآمد از خدمات در فناوری اطلاعات

می‌دانیم که هریک از معاملات چهارگانه اجاره، صلح، جعاله و استیفاء، شرایط و اقتضائات مخصوص به خود را دارا است. توصیف کسب درآمد از طریق ارائه خدمات بر بستر فناوری اطلاعات به هریک از این معاملات، موجب لزوم رعایت شرایط و اقتضائات آن شده که طبعاً ثمراتی را با خود به دنبال خواهد داشت؛ به نحوی که چه بسا

عدم رعایت آن منجر به بطلان معامله شود. به تعبیر دیگر، اگر ماهیت این سازوکار به اجاره توصیف شود، رعایت شرایطی در آن معتبر است که شاید رعایت آن در صلح، جعاله و استیفاء معتبر نباشد. از این رو لازم است ثمرات اتصاف آن به موارد یادشده تبیین گردد. از جمله آن ثمرات می توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. علم به عوضین در صحت اجاره شرط است (موسوی خمینی، بی تا، ج ۱، ص ۵۷۱)، در حالی که در صلح، علم تفصیلی به عوضین لازم نبوده و علم اجمالی کفایت می کند (حلی اسدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۰۴). در جعاله نیز بنابر یک نظر، علم به عوضین (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ص ۱۶۵) و بنابر نظر دیگر، علم به عمل لازم نیست (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۴۹). همچنین یکی از موارد کاربرد استیفاء جایی است که عوضین معلوم نباشد. بنابراین اگر ارائه خدمات بر بستر فناوری اطلاعات به اجاره توصیف شود، علم تفصیلی عرفی به عوضین شرط است؛ به خلاف سه معامله دیگر.

۲. در صحت اجاره و صلح، بلوغ متعاملین شرط است؛ در حالی که در جعاله، بلوغ عامل شرط نیست (موسوی خمینی، بی تا، ج ۱، ص ۶۶۶). در صورت عدم بلوغ ارائه دهنده خدمات در سازوکار مورد بحث، چنانچه معامله به اجاره یا صلح توصیف شود، باطل خواهد بود. البته در مورد کاربران، بلوغ در هر صورت شرط است.

۳. صلح و اجاره از جمله عقود لازم به شمار رفته و فسخ آنها جز در موارد خیار ممکن نیست؛ در صورتی که جعاله، ایقاع بوده و جایز به شمار می رود (موسوی خمینی، بی تا، ج ۱، ص ۶۶۹). از همین رو، فسخ آن تا قبل از تکمیل عمل و استیفاء منفعه محتاج خیار نیست. بنابراین اگر کسب درآمد از خدمات در فناوری اطلاعات، اجاره یا صلح باشد، جز در موارد خیار قابل فسخ نیست.

۴. رضایت متعاملین در اجاره و صلح لازم است، اما در استیفاء حتی در صورت فقدان رضایت، با سازوکار مشخصی می توان حکم به صحت معامله نمود (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۱۳۹). بنابراین اگر معامله به اجاره یا صلح توصیف شود، عدم رضایت متعاملین منجر به بطلان خواهد شد.

۵. در اجاره و صلح، به مجرد انعقاد عقد، ملکیت عوضین به طرفین معامله منتقل می‌شود؛ در حالی که در جعاله، انتقال ملکیت پس از اتمام عمل و استیفای منفعت است (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۱۳۹). بنابراین اگر سازوکار مورد بحث اجاره باشد، به مجرد تحقق عقد، کاربر مالک خدمات و استارت‌آپ مالک اجرت می‌شود.

۶. جعاله بنا بر قول اقوی ایقاع بوده (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۱۳۹) و در ایقاعاتی مانند طلاق، لعان،ظهار، ایلاء، عتق، نذر و یمین به اجماع فقها (حسینی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۹۶) و در دیگر موارد، بنا بر قول برخی از فقها (مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۷۰) انشای لفظی در صحت معامله لازم بوده و معاطات جاری نیست. از آنجا که سازوکار مورد نظر معمولاً فاقد انشای لفظی است، در صورتی که آن را به جعاله توصیف کنیم، باطل خواهد بود.

### نتیجه‌گیری

خدمت به معنای بهره‌گیری از قابلیت‌ها از طریق فعالیت‌ها، فرآیندها و عملکردها برای کسب سود و یا رساندن سود به دیگران است. خدمات فناوری اطلاعات نیز به دسته‌ای از خدمات گفته می‌شود که بر بستر سامانه‌های فناوری اطلاعات ارائه می‌شود. کسب درآمد در قالب خدمات بر بستر فناوری اطلاعات، چنانچه ذیل عقود متعارف قرار نگیرد، بایستی به عنوان معامله جدید به آن نگاه کرد و در عموماً و اطلاعات، به دنبال ادله جواز یا عدم جواز آن گشت، ولی با بررسی ابتدایی این سازوکار، و با وجود تعهد بین طرفین، معاوضی بودن و وجود دو عوض در معامله که یکی به صورت منفعت است، مفید ملکیت بودن، مستمر بودن و معلوم بودن مقدار عوضین ولو به نحو اجمالی، احتمال قرار گرفتن آن در ذیل معاملات متعارفی از جمله اجاره، صلح، جعاله و استیفاء وجود دارد که از این بین باتوجه به صادق بودن ارکان اجاره و نیز قابلیت جریان صلح در مجرای سایر عقود، تنها اجاره و صلح قابلیت تطبیق بر آن را دارند. از بین اجاره و صلح نیز به دلیل فقدان وجود انشای لفظی و دلالت آن بر عنوان صلح، مسبوق نبودن این معاملات به وجود یا احتمال نزاع و بنای طرفین بر کسب سود و مغاینه، می‌توان اجاره را

به‌عنوان ماهیت کسب درآمد از خدمات بر بستر فناوری اطلاعات برگزید. تنها مشکل، عدم تحقق انشای لفظی است که در صورتی که کفایت انشای فعلی در تحقق عقد اجاره را بپذیریم، قابل حل خواهد بود. در غیر این صورت نیز تحقق اجاره معاطاتی بدون اشکال است. ثمره اتصاف این سازوکار به اجاره آن است که باید ارائه‌دهندگان و کاربران، بالغ و راضی به انجام معامله باشند. همچنین درباره عوضین علم تفصیلی عرفی وجود داشته باشد. از سوی دیگر، معامله‌ای که انجام شده لازم بوده و در غیر موارد خیار، قابل فسخ نیست. فقدان انشای لفظی نیز موجب بطلان معامله نشده و نهایتاً منجر به تحقق معاطات است.



## فهرست منابع

۱. احمدی نژاد، امیر؛ صفوی، سید امید و محمدی، الناز. (۱۳۹۵). خدمات ارزش افزوده در فناوری اطلاعات. بی جا: ادیان روز.
۲. جعفر نژاد، عین الله. (۱۳۹۱). خدمات ارزش افزوده در فناوری اطلاعات. بی جا: علوم رایانه.
۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۷۰). ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش.
۴. حسینی سیستانی، سید علی. (۱۴۱۷ق). منهاج الصالحین (ج ۲). قم: دفتر حضرت آیت الله سیستانی.
۵. حسینی، میر سید عبدالفتاح. (۱۴۱۷ق). العناوین الفقهية (ج ۲). قم: مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۶. حلی اسدی، حسن بن یوسف بن مطهر. (۱۴۱۰ق). ارشاد الاذهان الی احکام الایمان (ج ۱). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۷. حلی اسدی، حسن بن یوسف بن مطهر. (۱۴۱۱ق). تبصرة المتعلمین فی احکام الدین. تهران: مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۸. حلی اسدی، حسن بن یوسف بن مطهر. (۱۴۱۳ق). قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام (ج ۲). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۹. حلی اسدی، حسن بن یوسف بن مطهر. (۱۴۲۰ق). تحریر الاحکام الشرعية علی مذهب الامامية (ج ۱ و ۴). قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۱۰. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغتنامه دهخدا (ج ۱، ۲ و ۶). تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۱. شهید اول، محمد بن مکی. (۱۴۱۷ق). الدروس الشرعية فی فقه الامامية (چاپ دوم). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۲. شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۰ق). الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية (ج ۴). قم: کتاب فروشی داوری.

۱۳. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی. (۱۴۱۳ق). مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام (ج ۵ و ۱۱، چاپ اول). قم: مؤسسه معارف اسلامی.
۱۴. طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷ق). المبسوط فی فقه الامامیه (ج ۲، چاپ سوم). تهران: المكتبة المرتضوية لاحیاء الآثار الجعفرية.
۱۵. طوسی، محمد بن علی. (۱۴۰۸ق). الوسيلة الى نيل الفضيلة. قم: انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی رحمته الله.
۱۶. عمید، حسن. (۱۳۸۹). فرهنگ فارسی عمید (چاپ اول). تهران: راه رشد.
۱۷. غروی نائینی، میرزا محمدحسین. (۱۴۱۳ق). المكاسب والبيع (ج ۱، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۸. فخرالمحققین، محمد بن حسن بن یوسف. (۱۳۸۷ق). ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد (ج ۲). قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۱۹. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۵). الزام‌های خارج از قرارداد: ضمان قهری. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۲۰. کرکی، علی بن حسین. (۱۴۱۴ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد (ج ۶ و ۷). قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
۲۱. کورنگ، آریوبرزن؛ اسفندی، شهناز. (۱۳۹۴). خدمات ارزش افزوده در فناوری اطلاعات. بی‌جا: اتحاد.
۲۲. مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی. (۱۳۸۷). فرهنگ فقه فارسی (ج ۱). قم: انتشارات مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی.
۲۳. محقق حلّی، نجم‌الدین جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ق). شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام (ج ۲). قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۲۴. معین، محمد. (۱۳۸۶). فرهنگ فارسی معین (ج ۲). تهران: ادنا.
۲۵. منصوری، محمد؛ الشریف، محمدمهدی و طباطبایی، سید محمدصادق. (۱۳۹۷). واکاوی حقیقت عقد صلح و معیارهای توصیف عقود معین به صلح. مطالعات حقوقی، ش ۴، صص ۱۷۲-۱۸۱.

۲۶. موسوی خمینی، سید روح‌الله. (۱۴۲۱ق). کتاب البیع (ج ۱). قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته.
۲۷. موسوی خمینی، سید روح‌الله. (بی تا). تحریر الوسیله (ج ۱). قم: مؤسسه دارالعلم.
۲۸. نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام (ج ۳۵). بیروت: دار احیاء التراث العربی.





## References

1. Ahmadinejad, A., & Safavi, S. O., & Mohammadi, E. (1395 AP). *Value added services in information technology*. Adiban Rouz. [In Persian]
2. Dekhoda, A. A. (1377 AP). *Dekhoda dictionary* (Vol. 1, 2 & 6). Tehran: Publishing and Printing Institute of Tehran University. [In Persian]
3. Fakhr al-Muhaqiqin, M. (1387 AH). *Izah al-Fawa'id fi Sharh Mushkilat al-Qawa'id*. (Vol. 2). Qom: Esmailian Institute. [In Arabic]
4. Gharavi Naeini, M. M. H. (1413 AH). *Al-Makasib va Al-Ba'i* (Vol. 1, 1<sup>st</sup> ed.). Qom: Islamic publishing office affiliated with the seminary teachers community. [In Arabic]
5. Heli Asadi, H. (1410 AH). *Irshad al-Adhan ila Ahkam al-Iman* (Vol. 1). Qom: Islamic publishing office affiliated with the seminary teachers community. [In Arabic]
6. Heli Asadi, H. (1411 AH). *Tabsirah al-Muta'alemin fi Ahkam al-Din*. Tehran: Publishing Institute affiliated to the Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Arabic]
7. Heli Asadi, H. (1413 AH). *Qawa'id al-Ahkam fi Ma'arifah al-Halal va al-Haram* (Vol. 2). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Seminary Teachers. [In Arabic]
8. Heli Asadi, H. (1420 AH). *Tahrir al-Ahkam Al-Shari'a ala Madhhab al-Umamiya* (Vol. 1 & 4). Qom: Imam Sadiq Institute. [In Arabic]
9. Hosseini Sistani, S. A. (1417 AH). *Minhaj al-Salehin* (Vol. 2). Qom: Office of Hazrat Ayatollah Sistani. [In Arabic]
10. Hosseini, M. S. A. (1417 AH). *Al-Anawin al-Fiqhiyyah* (Vol. 2). Qom: Islamic Publications Institute affiliated with Qom Seminary Teachers Society. [In Arabic]
11. Islamic Jurisprudence Encyclopedia Institute. (1387 AP). *Persian jurisprudence Dictionary* (Vol. 1). Qom: Islamic Jurisprudence Encyclopedia Publications. [In Persian]

12. Jafari Langaroudi, M. J. (1370 AP). *Legal terminology*. Tehran: Ganje Danesh. [In Persian]
13. Jafarnejad, A. (1391 AP). *Value added services in information technology. computer science*. [In Persian]
14. Karaki, A. (1414 AH). *Jami al-Maqasid fi Sharh al-Qawa'id* (Vol. 6 &7). Qom: Alulbayt Institute. [In Arabic]
15. Katouzian, N. (1385 AP). *Obligations outside the contract: Compulsory guarantee*. Tehran: Institute of Printing and Publishing, University of Tehran. [In Persian]
16. Korang, A., & Esfandi, S. (1394 AP). *Value added services in information technology*. Itehad. [In Persian]
17. Mansouri, M., & Al-Sharif, M. M., & Tabatabaei, S. M. S. (1397 AP). Analyzing the truth of the peace contract and the criteria for describing certain contracts as peace. *Legal Studies*, 4, pp. 172-181. [In Persian]
18. Moein, M. (1386 AP). *Moein Persian Dictionary* (Vol. 2). Tehran: Adna. [In Persian]
19. Mohaqeq Heli, N. (1408 AH). *Shara'e al-Islam fi Masa'el al-Halal va al-Haram* (Vol. 2). Qom: Esmailian Institute. [In Arabic]
20. Mousavi Khomeini, S. R. (1421 AH). *Kitab al-Bai* (Vol. 1). Qom: Imam Khomeini Editing and Publishing Institute. [In Arabic]
21. Mousavi Khomeini, S. R. (n.d.). *Tahrir al-Wasila* (Vol. 1). Qom: Dar al-Ilm Institute.
22. Najafi, M. H. (1404 AH). *Jawahir al-Kalam fi Sharh Shara'e al-Islam* (Vol. 35). Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi. [In Arabic]
23. Omid, H. (1389 AP). *Amid Persian Dictionary* (1<sup>st</sup> ed.). Tehran: Rahe Roshd. [In Persian]
24. Shahid Awal, M. (1417 AH). *Al-Dorous al-Sharia fi fiqh al-Imamiyah* (2<sup>nd</sup> ed.). Qom: Islamic publishing office affiliated with the seminary teachers community. [In Arabic]

25. Shahid Thani, Z. (1410 AH). *Al-Rawda al-Bahiya fi Sharh al-Lum'ah al-Damashqiyyah* (Vol. 4). Qom: Davari Bookstore. [In Arabic]
26. Shahid Thani, Z. (1413 AH). *Masalik al-Afham ila al-Tanqih Shara'e al-Islam* (Vol. 5 & 11, 1<sup>st</sup> ed.). Qom: Institute of Islamic Education. [In Arabic]
27. Tusi, M. (1387 AH). *Al-Mabsut Fi Fiqh Al-Imamiyyah* (Vol. 2, 3<sup>rd</sup> ed.). Tehran: Al-Maktabah al-Mortazawiyah, Le Ihya Al-Athar al-Jaafariya. [In Arabic]
28. Tusi, M. (1408 AH). *Al-Wasila ila Nile Al-Fazilah*. Qom: Publications of Ayatollah

